

عملکرد رادیو بی بی سی فارسی در شهر یور بیست و کودتای ۲۸ مرداد

● اعظم کاظمی*

● دکتر فریدون اللهیاری**

۱۱۷

مقدمه

امروزه قدرت و تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی بر هیچ کس پوشیده نیست؛ و سیر افکار عمومی و ذهن مردم با اطلاعات رسانه‌ها ارتباط مستقیم دارد. قدرت رسانه‌ها تا حدی است که دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خود از زور کمتر استفاده نموده و با کمک ابزار رسانه‌ای توانسته‌اند به اهداف خود دست پیدا کنند. یکی از رسانه‌های پر قدرت جهان، شبکه خبری بی بی سی انگلیس است. این شبکه از زمان تأسیس تاکنون نقش مهمی در سیاست‌های بین‌المللی انگلستان ایفا نموده است. این مقاله بر آن است تا تأثیرات شبکه رادیویی فارسی زبان بی بی سی را بر افکار عمومی ایران در شهریور ۱۳۲۰ش و نقش آن در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش را بررسی نماید.

رادیو، یک رسانه جمعی

رادیو از دیرباز یکی از پرمخاطب‌ترین رسانه‌های عمومی در سطح جهان بوده است. رادیو در ساخت واقعیت‌های رسانه‌ای در مقایسه با تلویزیون و دیگر رسانه‌ها از قدرت بیشتر و کیفیت بهتری برخوردار بوده است. رادیو دارای دو امتیاز بسیار مهم است: یکی سهولت دسترسی به امواج آن و دیگری هزینه اندک آن در مقایسه با تولیدات تصویری و رسانه‌ای دیگر.^۱ این رسانه را به چند دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. رادیوهای محلی که پوشش جمعیتی کمتری نسبت به رادیوهای سراسری دارند و

- نمی‌توانند پیام خود را برای تمام مردم یک کشور ارسال کنند. رادیوهای محلی بیشتر در پی کسب و نگهداری هویت محلی می‌باشند.^۲
۲. رادیوهای ملی و یا کشوری که در سطح ملی فعالیت می‌کنند و مخاطبان وسیع‌تری دارند. کارگزاران این بخش دو نقش ایفا می‌کنند؛ یکی وضع مقررات جریان خبرها، و دیگری شرکت در سخن پراکنی بین‌المللی در راستای خدمت به منافع ملی.
۳. رادیو در سطح بین‌المللی: این بنگاه‌های سخن‌پراکنی یا در دست دولت‌ها و بعضاً نهادهای بین‌المللی می‌باشند، و یا در دست سازمان‌های خصوصی و نیمه دولتی است. این سازمان‌ها مشتمل بر سازمانهای آموزشی، تجاری، سیاسی غیررسمی هستند. این سازمانها هم به عنوان ابزار دیپلماسی عمومی و هم به مثابه ابزار جنگ روانی عمل می‌کنند. قدرت مالی، عامل جغرافیایی، روابط و مقررات دولتها و رویدادهای جهانی مجموعه عوامل تأثیرگذار بر این جریان سخن‌پراکنی هستند. یکی از رسانه‌های پر مخاطب در سطح بین‌المللی رادیو بی. بی. سی می‌باشد.^۳

بی. بی. سی فارسی زبان و ایران

۱۱۸

شبکه خبری بی. بی. سی یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین شبکه‌های خبری جهان است. این شبکه در سال ۱۹۲۲م/ ۱۳۰۱ش تأسیس شد. در ابتدا اعلام شد که هدف ایجاد این بنگاه سخن‌پراکنی این است که انگلیسی‌ها را دور از دخالت سیاست و فشار تجارت آموزش داده و سرگرم کند.^۴

مردم انگلستان خسته از جنگ جهانی اول، به دنبال سرگرمی‌ای بودند که بتوانند علاوه بر جبران صدمات روحی و روانی جنگ، تاریخ و فرهنگ خود را نیز پاس دارند. بر این اساس، این شبکه فعالیت خود را شروع کرده و مورد استقبال وسیع مردم انگلستان قرار گرفت. پس از مدتی، با وسعت یافتن فعالیت‌های شبکه، مخاطبان آن فقط مردم بریتانیا نبودند؛ بلکه فعالیت‌های آن با حمایت دولت به خارج از مرزهای بریتانیا رسید.

در جنگ جهانی دوم، بی. بی. سی فعالیت‌های چشمگیری به نفع متفقین داشت. وینستون چرچیل، از طریق سخنرانی در این شبکه رادیویی، افکار عمومی انگلستان و مستعمرات را توجیه می‌کرد. این شبکه در ارسال پیام‌های جنگی نقش اساسی داشت.^۵ سمبروک، مدیر بخش جهانی بی. بی. سی در سال ۲۰۰۶م/ ۱۳۸۵ش، این رسانه را دارای صدای پرقدرتی دانست که توانسته مخاطب خود را در تمام دنیا پیدا کند و اطلاعات را فراتر از مرزها و نژادها و فرهنگ‌ها در اختیار مخاطبان خود قرار دهد.^۶ پیشرفت و قدرتمندی این رسانه را

می توان در چند عامل جست و جو کرد:

۱. مدیریت بسیار قوی و کارآمد

۲. کارمندان با انگیزه و خبره

۳. حمایت دولت انگلستان از این شبکه

رسانه های جمعی، قدرتمندترین ابزارهایی هستند که می توانند حکومتی را به اهداف خود نزدیک کنند. رسانه ها سعی می کنند از طریق گفتن بخشی از واقعیت که بهتر منافع آنها را تأمین می کند، به هدف خود برسند. آنها از قابلیت های زبانی برای رسیدن به مقاصد خود استفاده می کنند.^۷

عصر جدید، عصر رسانه هاست. دولت ها از طریق رسانه ها به جذب و بسیج افکار عمومی می پردازند. آنها برای رسیدن به منافع خود ترجیح می دهند کمتر از توپ و تانک و زور استفاده کنند، و سعی می کنند از طریق رسانه ها و تبلیغات به اهداف خود دست پیدا کنند. دولت های قدرتمند در تلاش هستند از طریق همین راه در بطن دیگر جوامع به خصوص ملل جهان سوم راه یافته و افکار و تمایلات عمومی مردم آن کشورها را در جهت منافع خود شکل و سوق دهند. کشور بریتانیا نیز سعی می کند از طریق رسانه های خود، به خصوص شبکه قدرتمند بی بی سی، افکار عمومی و سیاست های دیگر کشورها را با سیاست ها و منافع خود هماهنگ کند.

این شبکه در سال ۱۹۴۰م/ ۱۳۱۹ش پخش برنامه های فارسی زبان خود را از لندن شروع کرد. هدف از راه اندازی این برنامه به گفته بولارد، سفیر انگلیس در ایران، مقابله با شبکه فارسی زبان برلین بود که آلمانیها از طریق آن بر ضد متفقین در ایران تبلیغ می کردند.^۸ انگلیسی ها بر این عقیده بودند که می توان از طریق بخش فارسی بی بی سی افکار ایرانیان را به خود جلب کرد.^۹

در جنگ جهانی دوم، متفقین به کمک ایران احتیاج بسیار داشتند. هیتلر در حال پیشروی بود و بهترین راه برای جلوگیری از پیشروی او ایران بود. متفقین قصد داشتند از طریق خاک ایران به شوروی کمک کرده و آلمان را شکست دهند. نیل به این مقصود فقط با همراهی دولت ایران ممکن بود؛ ولی مشکل اساسی، حکومت ناتوان و ناکارآمد رضاشاه و اعلان بی طرفی دولت ایران در جنگ بود. انگلیس حضور عده ای آلمانی در ایران را که قبلاً با حمایت انگلیس از گسترش روابط ایران و آلمان به ایران آمده بودند، بهانه قرار داد و دولت ایران را تهدید کرد در صورت عدم اخراج این افراد از ایران، متفقین کشور را اشغال خواهند نمود.

سرانجام در ۱۹۴۱م/ شهریور ۱۳۲۰ش ایران به دست نیروهای متفقین اشغال و رضاشاه

برکنار و روانه تبعیدگاه شد. انگلیس می‌بایست قبل از هر اقدامی، افکار عمومی ایرانیان را برای این تغییر و تحولات آماده می‌ساخت.

بر این اساس انگلستان از طریق برنامه فارسی رادیو بی. بی. سی دست به جنگ روانی زد. جنگ روانی اغلب از طریق تبلیغ و با تاکتیک‌های دقیق و معطوف به اهداف مشخص هدایت و راهبری می‌شود.

هدف جنگ روانی تسلط بر قلب و اندیشه‌های افراد است و می‌خواهد باور فرد را نسبت به نظام ارزشی یک دولت، حکومت و یا فرد از میان ببرد.^{۱۰} شبکه فارسی زبان بی. بی. سی نیز برای رسیدن به اهداف خود در ایران از تاکتیک‌هایی پیروی می‌کرد. اهداف و تاکتیک‌های این برنامه‌ها توسط بولارد و خانم آن لمبتن در سفارت انگلیس در تهران طراحی و به لندن ارسال می‌شد.^{۱۱} این جنگ روانی از دو جنبه به نفع انگلیس بود:

(۱) با اعتراف رادیوی انگلیس به فساد و سوءرفتار رضاشاه، در برکناری او سابقه و مسئولیت دولت انگلیس در روی کار آوردن رضاخان لوث می‌شد و می‌توانست به جای او فرد دست‌نشانده دیگری را به قدرت برساند.

(۲) نفرت مردم از رضا شاه باعث می‌شد نسبت به انگلیس نظر مثبت پیدا کرده و کمی از بدبینی آنها نسبت به این کشور کاهش یابد.

در این راستا در شب ۸ تیر ۱۳۲۰ ش/ ۱۹۴۱ م. رادیو بی. بی. سی با آگاهی از نقاط ضعف رضاشاه و حرص و طمع او در جمع‌آوری اموال و املاک و دست‌اندازی‌های او به املاک دیگران، از رضاشاه انتقاد کرد و به واقعیت‌های اندکی از دزدیدن زمینها و مایحتاج مردم توسط او، اشاره کرد. این رویه به شکل حساب‌شده‌ای ادامه داشت تا اینکه هنگام حمله متفقین به ایران، سرلشکر محمد نخجوان، به اشاره انگلیس دستور ترک مقاومت و مرخص کردن سربازها از پادگان‌ها را داد. محمد نخجوان در اقدامی نمایشی به دستور رضاشاه برکنار شد.^{۱۲}

در اینجا بی. بی. سی به حمایت از نخجوان برخاسته و از او به عنوان مردی وطن‌پرست یاد کرد. این شبکه بازداشت او را خلاف قانون اساسی اعلام کرد.^{۱۳}

به نوشته روزنامه تایمز، در شب قبل از استعفای رضاشاه، رادیو بی. بی. سی داستان کاوه و ضحاک را نقل کرد و رضاشاه را با ضحاک مقایسه نموده و در آخر داستان پرسید امروزه کاوه ایران کجاست؟ و در آخر نیز با این بیت فردوسی برنامه را پایان داد:

چو فردا برآید بلند آفتاب / من و گرز و میدان و افراسیاب^{۱۴}

فردا که بلند آفتاب برآمد، رضاشاه بعد از کسب اطمینان از حمایت انگلیس نسبت به پادشاهی فرزندش استعفا داد. پس از استعفای رضاشاه موضوعات جدید برنامه‌های بی. بی. سی به آنها

ابلاغ شد. به گفته بولارد «اینک که شاه رفته است فرستنده رادیویی ما می بایست درباره حکومت مبتنی بر قانون اساسی حرف بزند و روی نکاتی از قبیل شکیبایی و روحیه مسالمت آمیز تأکید کند»^{۱۵} وجود این روحیه شکیبایی و مسالمت آمیز در ایران برای انگلیس بسیار الزامی بود. انگلستان در حال جنگ بود و نمی توانست به اداره امور آشوب زده ایران نیز بپردازد. پس می بایست از طریق تبلیغ و استفاده از بی بی سی آرامش را حفظ می کرد.

در این زمان این شبکه از تاکتیک کلی بافی و موازی سازی استفاده کرده و بسیاری از واقعیات زمان رضاشاه را بازگو کرده و به انتقاد هر چه بیشتر از دوره رضاشاه پرداخت و در حقیقت افکار عمومی را از پرداختن به مسئله اشغال کشور، منحرف می نمود. موضوعاتی که در بی بی سی مطرح می شد، بخشی از حقایقی بود که مردم در دوران حکومت رضاشاه، خود شاهد آنها بودند و از این قبیل بود:

۱. مداخله رضا شاه در انتخابات

۲. خشونت و دیکتاتوری رضاشاه و کشتن مخالفان

۳. غفلت از کشاورزی و ناکامی طرح های صنعتی

۴. مصادره اراضی کشاورزی به نفع خود

بی بی سی موارد دیگری نیز به نقل از مطبوعات خارجی مانند افشای موجودی شش میلیون پوندی رضاشاه در حساب بانکی خارج را بیان کرده و استعفای رضاشاه را بسیار معقول خواند.^{۱۶} بعد از این قضیه انگلیس می بایست هر چه بیشتر مظلوم نمایی نموده و ضمن برائت از جنایات رضاشاه، خود را مبرا از هر گونه مطامع نظامی در ایران نشان می داد. بر این اساس رادیو بی بی سی اعلام کرد اشغال ایران توسط انگلیس به پیشنهاد آمریکا بوده است. به گفته آنها روزولت رئیس جمهور آمریکا هنگام کنفرانس مربوط به منشور آتلانتیک (اوت ۱۹۴۱) اشغال ایران را تصویب کرده است.^{۱۷} این خبر موجب شد ایرانیان با آمریکائیان مقیم ایران نیز اوقات تلخی کرده و به آنها اعتراض می کردند.

در سال ۱۹۴۴م/ ۱۳۲۳ش نیز مدیرکل بی بی سی و کریستوفر سایکس^{۱۸} تهیه کننده بی بی سی میهمانان افتخاری بولارد، سفیر انگلیس در تهران، بودند. این موارد شواهد آشکار نزدیکی و هماهنگی رادیو بی بی سی فارسی با سفارتخانه انگلیس در تهران بود.

هماهنگی و همسویی بی بی سی فارسی با دولت انگلیس را می توان در جریان سقوط دکتر مصدق نیز مشاهده کرد. انگلیس پس از روی کار آمدن حزب محافظه کار سعی داشت به هر طریقی که شده دولت مصدق را ساقط کند. در این کار لازم بود آمریکایی ها را با خود همراه سازد. پس تصمیم گرفت در اوج جنگ سرد، با بزرگ جلوه دادن نقش حزب توده

در ایران و خطر نفوذ کمونیسم، آمریکا را از حمایت دولت مصدق منصرف کند و با خود همراه سازد. دولت جدید انگلستان قصد داشت به آمریکا بقبولاند که مصدق توان کنترل اوضاع ایران و جلوگیری از نفوذ کمونیسم را ندارد. برای رسیدن به این هدف، دست به یک جنگ روانی زد. اصولاً هدف از جنگ روانی رسیدن به اهداف زیر است:

۱. کسب حمایت دوستان یا تقویت آنها
۲. شکل دهی یا تغییر نگرش‌ها یا طرز تلقی‌ها نسبت به ایده‌ها و رخدادها
۳. تضعیف یا تحلیل بردن قدرت دولت‌های خارجی غیردوست یا تضعیف برنامه‌ها و سیاست‌های آنها

۴. مقابله با تبلیغات خصمانه دیگر گروه‌ها و کشورها و افراد.^{۱۹}

در سال ۱۳۳۰ش / ۱۹۵۱م در ابتدای ورود هریمن، نماینده آمریکا به ایران، انگلیس سعی داشت از طریق حزب توده در خیابانهای تهران آشوب ایجاد کند. این آشوب در ۲۳ تیر به وجود آمد که طی آن عده‌ای کشته و زخمی شدند. روز ۲۴ تیر، رادیو بی. بی. سی در تفسیر وقایع ایران گفت: «فاجعه روز یکشنبه تهران نشان داد که دکتر مصدق حاکم و مسلط بر اوضاع نیست و کمونیستها در کمین هستند که ایران را ببلعند و اگر انگلستان پای خود را کنار بکشد کار ایران تمام خواهد شد.»^{۲۰}

این تبلیغات سوء بر بستر زمینه سیاسی و ضعف دولت مصدق با تکنیک قطره چکانی، یعنی به مقدار کم اما در زمان‌های گوناگون، تا زمان سقوط دولت ادامه داشت. اصولاً این نوع تبلیغات برای آنکه مؤثر باشد، باید ساده و پیوسته بوده و دائماً تکرار شود؛ به گونه‌ای که مخاطب متوجه ماهیت تبلیغاتی آن نشود.

بی بی سی رسانه‌ای بود که دولت انگلستان را برای سقوط دولت ملی همراهی می‌کرد. این شبکه در مرداد ۱۳۳۲ش / ۱۹۵۳م با مشارکت در کودتا و زدن تیر خلاص به دولت مصدق نقش مهمی ایفا کرد. در این کودتا عوامل انگلیس و آمریکا؛ بعضی مطبوعات و رسانه‌های داخلی و خارجی مانند بی. بی. سی؛ و بعضی از نیروهای داخلی همچون اشرف خواهر شاه و برادران رشیدیان حضور داشتند. تنها مشکل کودتاجویان، ترس و تردید محمدرضا شاه بود. آنها از شاه می‌خواستند دو فرمان را که یکی فرمان عزل مصدق از نخست‌وزیری و دیگری نصب سرلشکر زاهدی بود، امضاء کند.^{۲۱} اما شاه تردید داشت. او می‌ترسید کودتا شکست بخورد و آمریکا و انگلیس او را تنها بگذارند. ترس او از این جهت بود که همه چیز تحت کنترل مصدق بود. او دستور اخراج نیروهای انگلیسی و پس از آن نزدیکان شاه را از ایران

داده بود. تماسها و ملاقاتهای شاه تحت کنترل بود و مصدق وزیر جنگ شده بود. در واقع تمامی راههای ارتباطی که باعث پیروزی کودتا می‌شد به وسیله مصدق بسته شده بود. اما می‌بایست اعتماد شاه جلب می‌شد؛ چون بدست آوردن حمایت شاه از کودتا بسیار مهم بود. امضای شاه می‌توانست به این عملیات مشروعیت قانونی ببخشد.^{۲۳} کودتاچیان برای به دست آوردن این اعتماد از نیروهای مختلف که از قبل با انگلستان همراه شده بودند، استفاده کردند.

به جز دیداری که داریی شرر، رئیس سرویس اطلاعاتی انگلستان، با اشرف پهلوی در فرانسه داشت؛ و در جریان آن از اشرف خواست حمایت کامل آمریکا و انگلیس را به شاه ابلاغ کند،^{۲۳} در ۱۱ مرداد اسدالله رشیدیان نیز با شاه ملاقات کرد. وی برای اثبات اینکه از جانب انگلستان سخن می‌گوید ترتیبی داد که یکی از عبارتهای انتخاب شده شاه از رادیو بی. بی. سی پخش شود. در این زمان بی بی سی سه وظیفه مهم و سرنوشت‌ساز بر عهده داشت:

۱. ارتباط میان کودتاچیان و شاه

۲. ابلاغ کننده پیام رمز به شاه جهت جلب اعتماد او

۳. حمایت از کودتاچیان و ضعیف کردن جبهه مصدق با تبلیغات وسیع.

در لندن، داریی شرر و وودهاوس، ترتیبی دادند که برنامه اخبار بی. بی. سی که همیشه با عبارت «اکنون نیمه شب به وقت لندن است» آغاز می‌شد، با عبارت «اکنون دقیقاً نیمه شب است» آغاز شود. این علامت رمزی بود برای شاه که انگلیسی‌ها از او حمایت خواهند کرد.^{۲۴}

پخش دو عبارت رمز در لابه‌لای برنامه‌های رادیو بی. بی. سی، ایراد نطق توسط آیزنهاور در این رادیو، و پخش برنامه مخصوص آخرین تردیدهای محمدرضا شاه در مورد کودتا را از میان برد. شاه بعد از اطمینان از این حمایت‌ها به کلاردشت رفت و در آنجا فرمانها را امضاء کرد.^{۲۵}

در نیمه شب ۲۵ مرداد، وقتی فرمان‌ها به مصدق ابلاغ شد، او با آنکه رسید دریافت فرمان شاه را امضا کرد آوندگان فرمان را توقیف کرد و ظاهراً زیر بار فرمان‌ها هم نرفت و شاه هم به عراق گریخت و از آنجا به رم رفت، اما این پایان ماجرا نبود.

رادیوی بی‌بی‌سی فارسی، بهتر از همه کس می‌دانست که ماجرا تازه آغاز شده است؛ پس در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد همچنان به پخش و انتشار «گفتنی‌های لازم» مشغول بود. بی‌بی‌سی فارسی در شب ۲۸ مرداد، در پایان برنامه‌ای که بر ضد مصدق پخش کرد بار دیگر همان

شعر فردوسی را یاد کرد که در شب ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ آورده بود:
چو فردا برآید بلند آفتاب
من و گرز و میدان و افراسیاب^{۳۶}

پانوشتها

- * دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه اصفهان.
** دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه اصفهان.
- ۱- خجسته، حسن، درآمدی بر جامعه‌شناسی رادیو، دفتر پژوهشی رادیو، تهران ۱۳۸۷، ص ۱۴۵.
 - ۲- همان، ص ۱۵۷.
 - ۳- مولانا، حمید، جریان بین‌المللی اطلاعات، گزارش و تحلیل جهانی، ترجمه یونس شکرخواه، مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه‌ها، تهران ۱۳۷۱، ص ۹۸.
 - ۴- گفت و شنود، مترجم علی عامری، سروش، سال بیست و چهار، ش ۱۱۰۵، ۱۳۸۱، ص ۴۸.
 - ۵- همان ص ۴۹.
 - ۶- نصیری، زهرا، ناتوی فرهنگی و حضور شبکه بی.بی.سی فارسی زبان در ایران، زندگی سالم. سال دوم، ش ۱۹، ص ۱۹.
 - ۷- درودگر، علی، نقش رسانه‌ها، علوم سیاسی، سال یازدهم، ش ۴۲، ۱۳۸۷، ص ۶۱.
 - ۸- بولارد، سر ریدر ویلیام، خاطرات سر ریدر ویلیام بولارد، مترجم غلامحسین میرزاصالح، چاپ دوم، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۷، ص ۵۹.
 - ۹- مؤمنی، محسن، بی.بی.سی در شهریور ۱۳۲۰، کمان، سال پنجم، ش ۱۱۴، ۱۳۷۹، ص ۱۲.
 - ۱۰- کمبری، علی‌رضا، رسانه‌ها و جنگ روانی، کمان، سال هشتم، ش ۱۸۶، ۱۳۸۲، ص ۸.
 - ۱۱- خاطرات بولارد، ص ۱۸۵.
 - ۱۲- زرگر، علی‌اصغر، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، انتشارات پروین، تهران، ۱۳۷۲، ص ۴۵۰.
 - ۱۳- خاطرات بولارد، ص ۱۱۷.
 - ۱۴- همان، ص ۱۸۵.
 - ۱۵- همان، ص ۱۲۷. ضمناً این گفته بولارد مدرک و دلیل بسیار واضحی است بر اینکه بی‌بی‌سی برخلاف ادعای گردانندگانش، مستقل نیست. توجه داشته باشید که گردانندگان بی‌بی‌سی همواره ادعا کرده‌اند که این بنگاه مستقل از دولت انگلیس عمل می‌کند؛ ولی سخنان بولارد، ضمن آن که بیانگر میزان خبثت اوست، وابستگی تمام و کمال بی‌بی‌سی را به سیاست‌های رسمی و جاری دولت انگلیس نشان می‌دهد.
 - ۱۶- همان، ص ۱۲۵.
 - ۱۷- آخرین روزهای رضاشاه، ص ۳۱۸.
 - ۱۸- او فرزند سر مارک سایکس، عاقد قرارداد سایکس - پیکو بود.
 - ۱۹- کمان، ص ۹.
 - ۲۰- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، روزهای افتخار، نشر گفتار، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۷۹.
 - ۲۱- لیبینگ، بریان، سقوط امپراتوری انگلیس و دولت دکتر مصدق، ترجمه محمود عنایت، انتشارات کتاب‌سرا، تهران، ۱۳۶۵، ص ۶۰.

عملکرد رادیو بی‌بی‌سی فارسی در شه‌ریور بیست و کودتای ۲۸ مرداد

۲۲- همان.

۲۳- مصدق و کودتا، ص ۱۹۴.

۲۴- همان.

۲۵- سقوط امپراتوری، ص ۶۱.

۲۶- محسن مؤمنی، کمان، ص ۱۵.

